

بررسی میزان وجه اشتراک گفتمان اعتدال گرایی در سیاست خارجی دولت خاتمی و روحانی

امیر چادله^۱، محسن احمدی^۲ فاطمه غلامی^۳

چکیده:

تحقیق حاضر سعی دارد به بررسی میزان وجه اشتراک گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی دولت خاتمی و روحانی بپردازد. سوال اصلی این است که مهم‌ترین وجوه اشتراک گفتمان اعتدال‌گرایی سیاست خارجی روحانی و خاتمی در چیست؟ در پاسخ این فرضیه مطرح شده است که تنش‌زدایی و تعامل با نظام بین‌الملل مهم‌ترین وجوه اشتراک گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی دولت خاتمی و روحانی است. نوع روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی است که سعی می‌شود با استفاده از نظریات گفتمان به تشریح موضوع پرداخته شود. به طور کلی، دولت خاتمی و روحانی با توجه به تأکید بر تنش‌زدایی و صلح‌نقش مهم را در پیشبرد اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ایفا کرده‌اند. از دیدگاه این دو، تنها تنش‌زدایی و صلح است که می‌تواند منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تأمین نماید. تأکید بر این دو مسأله، باعث شده است تا در گفتمان سیاست خارجی خاتمی و روحانی، تنش‌زدایی مهم‌ترین نقش را ایفا کند.

کلمات کلیدی: گفتمان، سیاست خارجی، دولت خاتمی، دولت روحانی

مقدمه

در سیاست خارجی کشورها، منافع ملی کشورها مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند. با این حال، رویکردها و راههای دستیابی به منافع ملی کشورها متفاوت است. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به وجود متغیرها و عوامل مختلف، همواره رویکردهای مختلفی را در عرصه سیاست خارجی در جهت دستیابی به منافع ملی در پیش گرفته است. در دوران ریاست جمهوری خاتمی و روحانی نیز اصول و گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تلاش برای دستیابی به منافع ملی و افزایش

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه پیام نور واحد بین‌الملل، قشم، dr.63amir@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد علوم سیاسی

^۳ کارشناس ارشد علوم سیاسی

قدرت در سطح منطقه ای و نظام بین الملل بود. به طور کلی اصول سیاست خارجی خاتمی بر سه اصل استوار است: ۱. اصل عزت، حکمت و مصلحت؛ ۲. تنش زدایی؛ ۳. گفتگوی تمدن‌ها.

از سوی دیگر، گفتمان سیاست خارجی روحانی، دارای تشابهات مهمی با دوران خاتمی است. مواضع عملگرایانه روحانی در مورد موضوعات خارجی و داخلی برای رأی دهندگان ایرانی اطمینان بخش بود. مبارزه انتخاباتی روحانی در چند زمینه کلیدی از پلاتفرم رقابیش متمایز بود: تحلیل روشن او از وضعیت جاری در ایران؛ تبیین روشن و بی ابهام او از چالش‌های عمده فراروی جامعه و حکومت؛ و رویکرد صادقانه و صریح او در قبال مشکلات و راه‌حل‌های ممکن. بدین ترتیب روحانی توانست بخش‌های سرخورده جمعیت کشور را در خلال روزهای پایانی مبارزات انتخاباتی در راستای علاقه جدی به انتخابات و نهایتاً مشارکت در یک رأی‌گیری ملی بسیج نماید.

سیاست خارجی روحانی مبتنی بر نقدی اصولی، متین و خردمندانه از هدایت روابط خارجی در هشت سال پیش در دوره دولت قبلی بود. در این مهم شاید وی با خاتمی در یک مسیر قرار دارند. از سوی دیگر، روحانی همواره در تلاش بود تا وضعیت غیرقابل قبول امور را از طریق اصلاح اساسی سیاست خارجی کشور درمان کند. تغییراتی که او مطرح کرد نمایانگر درک واقع بینانه از نظم بین‌المللی معاصر و چالش‌های بیرونی جاری در برابر جمهوری اسلامی بود، و نیز آنچه که لازم است تا روابط ایران با دنیای خارج را به وضعیت به‌هنگار برگرداند.

روحانی همچنین خواستار گفتمان اعتدال شد. این رویکرد همچون رویکرد خاتمی در عرصه سیاست خارجی می‌خواهد تا ضمن عنایت به حفظ امنیت ملی، ارتقای جایگاه کشور و نیل به پیشرفت فراگیر بلندمدت، ایران را از رویارویی به‌سوی گفتگو، تعامل سازنده و تفاهم هدایت کند.

شاید بتوان گفت در راستای دستیابی به منافع ملی، گفتمان‌های سیاست خارجی خاتمی و روحانی دارای وجوه اشتراک بسیاری است. همچنین برخی از اندیشمندان داخل کشور، معتقدند که این دو گفتمان در یک مسیر قرار دارند هر چند به نظر می‌رسد دو گفتمان مطرح شده دارای اختلافاتی نیز هستند. از سوی دیگر، شاید تحولات عرصه نظام بین‌الملل نیز در دو دوره مذکور، زمینه ساز شکل‌گیری تفاوت‌ها و تشابهاتی باشد. به طور کلی، رویکردهایی که خاتمی و روحانی در عرصه سیاست خارجی به کار گرفتند، بر قدرت و جایگاه منطقه ای ایران افزوده است هر چند برخی جریانات داخلی با رویکردهای گفتمانی دو رئیس‌جمهور دارای مخالفت‌های جدی هستند. این جریانات، رویکردهای گفتمانی خاتمی و روحانی را در بردارنده تضعیف امنیت ملی قلمداد کرده و سعی در مقابله با آن دارند.

الف) اشتراک در تنش زدایی و منافع ملی در سیاست خارجی خاتمی و روحانی

۱- تنش زدایی و منافع ملی در سیاست خارجی خاتمی

-خاتمی و منافع ملی: منافع دموکراتیک اسلامی

شرایط داخلی کشور و مسائل متعدد در روابط خارجی ایران، خاتمی را بر آن داشت تا به یک بازنگری اساسی در سیاست خارجی و روابط بحرانی ایران با قدرت های بزرگ جهانی و کشورهای منطقه بپردازد. ((بازنگری سیاست خارجی هم متأثر از الزامات و عوامل داخلی بود و هم تحت تأثیر شرایط و تحمیلات نظام بین الملل قرار داشت)) (ازغندی، ۱۳۸۴ : ۲۴۳). خرازی، وزیر امور خارجه وقت، در خصوص این بازنگری دلایل مختلفی را بیان داشته است: ((برخی از پیچیده ترین معضلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی جهان در آسیا در حال بروز است. شرق و جنوب شرق آسیا دچار نابسامانی اقتصادی شده اند که ثبات سیاسی داخلی و منطقه ای را به مخاطره انداخته و منطقه را با آینده ای مبهم روبرو ساخته است. جنوب آسیا به دنبال آزمایش های هسته ای هند و پاکستان مورد توجه ویژه بین المللی قرار گرفته است. تشنج در منطقه بالا گرفته است طبیعتاً این واقعیات تأثیر مستقیم و ذاتی بر دیدگاه داخلی و بین المللی ایران داشته است. منافع ملی برای ایران نمی تواند جدای از این واقعیات تعریف شود و لذا ثبات در رفاه منطقه تنها یک گزینه برای ایران نیست بلکه ضرورتی غیرقابل تردید برای کشور دارد)) (خرازی، ۱۳۸۰ : ۴۷۵ : ۴۷۰).

به طور کلی سه اصل سیاست خارجی دولت خاتمی را تشکیل می داد: ۱ اصول عزت، حکمت و مصلحت به عنوان استراتژی کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۲ تنش زدایی و ۳ گفتگوی تمدنها، در همین خصوص خاتمی اظهار می دارد ((سیاست خارجی متأثر از شناخت دقیق و روشن واقعیتهای بسیار متحول جهانی کنونی و حرکت در درون این جهان با هدف تأمین مصالح و منافع ملی است. سه اصل اساسی حکمت، عزت و مصلحت جهت دهنده سیاست خارجی محسوب می شوند. حکمت یعنی آگاهی دقیق در برابر این واقعیتهای دائماً دگرگون شونده، البته با در نظر گرفتن هدف که تأمین مصالح ملی است)) (خاتمی، ۱۳۸۰ : ۱۲۶).

- پیوستگی مردم سالاری دینی در عرصه داخلی و بین المللی با مفهوم منافع ملی

به نظر می رسد گام مثبت و اساسی در جهت تعریف مجدد مصلحت و منفعت ملی در این دوره برداشته شده است. گام مهمی که در جهت پیشبرد منافع ملی بر طبق مفهوم جهانی شدن در دوران بعد از دوم خرداد برداشته شده، توجه به فرهنگ دموکراتیزاسیون در ایران است. به نظر می رسد که تعریف مجدد مصلحت ملی در سایه اصلاحات سیاسی و اجتماعی در ایران و طرح اندیشه جامعه مدنی و به ویژه گفت و گوی تمدنها وارد فاز تازه ای شد (بشیره، ۱۳۸۰ : ۷۳). قانون اساسی ایران ساختاری را تعبیه کرد که نه تنها انقلاب اسلامی را در نظام بین الملل نهادینه و اجتماعی می کند بلکه هم پای سیاست خارجی، صحنه داخلی را نیز دموکراتیزه می نماید. اما تا دوم خرداد، کسی از ابعاد دموکراتیک قانون اساسی به عنوان چارچوب عملی برای عملکرد دموکراتیک جمهوری اسلامی در صحنه های داخلی و خارجی نام نبرده است. پایه های قانونی استدلال وی مبتنی از مواردی از قانون اساسی است که هم وزن با مواد قانونی مفهوم اقتدار ملی و حاکمیت مردم است (رضائی، ۱۳۸۱ : ۲۲).

صلاح گرایان، استدلال می کنند که استقرار مردم سالاری دینی در کشور علاوه بر جلوگیری از تهدیدات و تجاوز خارجی به بهانه تحمیل آزادی و دموکراسی، اعتبار بین المللی ایران را در جهان افزایش می دهد. همچنین مردم سالاری، بنیادهای پایه های

استقلال و حاکمیت ملی را مستحکم می‌سازد)) (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۴۴). سید محمد خاتمی معتقد است: ((جمهوری اسلامی ایران نه تنها خواهان استقرار یک نظام مردم سالار در درون خود است، بلکه منادی و دعوت کننده به نوعی دموکراسی بین المللی است (نشریه اطلاعات، ۲۶ / ۵ / ۱۳۷۸).

بنیادهای فکری جهان بینی خاتمی که موجبات تأثیرات بالفعل در صحنه سیاست خارجی و بالقوه را در ((باز تعریف)) منافع ملی ایرانیان در دوره مردم سالاری دینی فراهم کرده است:

- ۱ دین و اختیار، همساز یکدیگرند، بنابراین اسلام و آزادی هم گونه اند؛
 - ۲ آزادی نیازمند خلق جامعه مدنی مبتنی بر پارادایم و الگوی شهر پیامبر یا مدینه النبی است. بر خلاف مفهوم غربی جامعه مدنی مبتنی بر الگوی دولت شهر یونانی است؛
 - ۳ تأکید بر حاکمیت قانون و حقوق در بعد داخلی به معنای طرح خارجی در بعد بین الملل به شکل حاکمیت حقوق بین الملل و پذیرش آن در سیاست های اصلاحی و رسمی است؛
 - ۴ لیبراسیم با اسلام ناسازگار است ولی ایرانیان باید از دستاوردهای مثبت آن استفاده کنند؛
 - ۵ اگرچه خاتمی معتقد است که امروز تمدن غربی، تمدن حاکم و گفتمان مسلط جهانی است؛
- اما در عین حال به این حقیقت معتقد است که از این تمدن و نه مبادی سیاسی آن، یعنی آزادی خواهی دینی همواره پیروز نخواهد بود. این بدان معناست که بشر نمی باید دین را حاشا کند بلکه باید آن را بپذیرد و به اصطلاح و توسعه آن اقدام کند. خاتمی امید آن دارد که از طریق چنین گفت و شنودی شرق بتواند اهمیت حیاتی معنویت در زندگی بشر را بیاموزاند و متقابلاً دستاوردهای مثبت تمدن غربی را بیاموزد؛

۶ وی باور دارد که فرجامی غیر از آزادی خواهی دین زدایی غربی، لیبراسیم سکولار، در انتظار بشریت است (رمضانی، ۱۳۸۱: ۲۴).

ماهیت و هویت ایرانی اسلامی نظام ملی اسلامی جمهوری اسلامی ایران ایجاب می کند که این کشور منافع ملی خود را بر حسب ارزش های اسلامی و ایرانی تعیین کند. صلح گرایی به مانند واقعگرایی بر این اعتقاد است که جمهوری اسلامی ایران باید در سیاست خارجی خود مصالح اسلامی و منافع ملی خود را در چارچوب منافع دفاعی، اقتصادی، نظم جهانی و ایدئولوژیک پیگیری و تأمین کند.

مصالح اسلامی و منافع ملی تعارض و تباین ذاتی نداشته و در صورت بروز تزاخم بین این دو، باید بر اساس اصول و قواعد، مصلحت، وسع و تدرج، اهووم و مهم ضرورت و اضطرار اقدام نماید. بنابراین در این گفتمان نیز اولویت و تقدم منافع ملی محدود و منحصر به هستی و موجودیت نظام جمهوری اسلامی نمی شود، بلکه در صورت لزوم و مصلحت، منافع ملی حیاتی دیگر نیز ممکن است مقدم و مرجع داشته شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۴۳). دولت جمهوری اسلامی به سمت یک دولت ملی حرکت کرده و ایستارهای ایدئولوژیک خود تا حدی تعدیل می کند. ایران یک دولت عادی است که به عنوان یک دولت ملت به دنبال چیزی

است که همه دولت ملت های دیگر در سیاست خارجی خود آن را پی می جویند یعنی حفظ حیات کشور، موفقیت ملت و احترام و شأن مردم خود در جامعه بین المللی (خرازی، ۱۳۸۰: ۸۱).

- تنش زدایی و گفت و گوی تمدن ها

در شرایطی که جهانی شدن به بحث رایج و گفتمان غالب در میان افشار جامعه تبدیل شده و دائماً این پیام داده می شد که نظم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جدیدی در حال وقوع است (میر حیدر و رثوفی فر، ۱۳۸۵: ۵)، سیاست تنش زدایی و گفت و گوی تمدن ها به عنوان دو راهبرد علمی جمهوری اسلامی ایران در این دوره برای دستیابی به منافع ملی خود مطرح شد. از نظر خاتمی، سیاست تنش زدایی ایران کاملاً باید با هدف تأمین منافع ملی و امنیت ملی سازماندهی شود و در غیر این صورت یک حرکت غیر انفعالی خواهد بود. تنش زدایی به معنای غفلت و ناهشیاری در برابر تهدیدها نیست، بلکه شناخت مرزهای دشمن و تلاش برای تقویت دوستی ها و جنبه های اشتراک و هشیاری در برابر تهدیدهاست. ما معتقدیم سیاست تنش زدایی هزینه اداره کشور را به حداقل خواهد رساند. گفت و گوی تمدن ها دعوت به یک نظام جدید و نه یک قطبی در جهان است. گفت و گوی تمدن ها مبتنی بر پذیرش اصل تساوی در میان ملت ها بر پایه عدالت، پذیرفتن احترام متقابل و پذیرش واقعیت های طرف گفت و گو است (روزنامه اطلاعات ۱۸ / ۱۰ / ۱۳۷۹).

خاتمی همچنین در تشریح سیاست تشنج زدایی می گوید: ((بر پایه این اصول [تنش زدایی]ها و تأمین منافع ملی خود، هنر دیپلماسی این است که لحظه به لحظه از تعداد دشمنان خود بکاهیم و لحظه به لحظه بر تعداد دوستان و نزدیکان کشور بیفزاییم. تبدیل کردن دشمنی به دوستی، هنر است و جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور خارجه ایران همواره با در نظر گرفتن منافع ملی، دیپلماسی خود را بر این اساس قرار داده است. از مرحله تنش زدایی به اعتماد سازی و از اعتماد سازی به همکاری های متقابل و دیرپای همه جانبه و منطقه ای وارد بشویم)) (خاتمی، ۱۳۸۴: ۱۳۳). بنابر این تنش زدایی موضوعی است که با اصل تنوع بخشی در عرصه سیاست خارجی و پیگیری رهیافت مبتنی بر منافع ملی و حفظ اصول و چارچوب های نظام جمهوری اسلامی ایران همخوانی دارد.

بر اساس سیاست تنش زدایی، جمهوری اسلامی ایران چهار اولویت را برای خود در نظر می گیرد: ۱ صلح و امنیت در همسایگی ایران، ۲ دوستی با جهان اسلام، ۳ همکاری سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با کشورها و سازمان های برگزیده، ۴ مشارکت فعال در سازمان های بین المللی (خرازی، ۱۳۸۰: ۴۷۶). جمهوری اسلامی خواسته است به نوعی منطقه گرایی مثبت و بین الملل گرایی مثبت را در روابط خود با سایر کشورها اجرا کند (ازغندی، ۱۳۸۴: ۳۰).

گفت و گوی تمدن ها نیز در واقع طرح عملی دولت جمهوری اسلامی ایران به منظور تنش زدایی در سیاست خارجی خود است. اصولاً پیوستگی مفهوم دموکراسی در داخل با صلح در خارج در اندیشه خاتمی را می توان به بهترین شکل در جهان گری و برداشت وی از سیاست خارجی مشاهده کرد. گفت و گوی تمدن ها را می توان از این جهت که لزوم همکاری و همزیستی کشورها را به عنوان یک واقعیت و به منظور جلوگیری از بی نظمی و خشونت در عرصه جهانی مطرح می کنند؛ دیدگاهی واقع گرا دانست

(دبیرزاده، ۱۳۸۱ : ۲۴۵). از نظر خاتمی ((گفت و گو... ادامه سیاست است ولی با بیانی متفاوت)) گفت و گویی که می‌تواند ((هم هدف... و هم راهبردی مناسب برای نیل بدان و هم طریقی صالح آمیز برای رسیدن به صلح)) باشد. در واقع ((چالشی دیگر با ابزاری دیگر است)) که ((برای تقسیم امتیاز و کسب امتیاز بیشتر و بهتر به کار گرفته می‌شود)) (نوزانی، ۱۳۸۱ : ۲۷۳). خاتمی با رد اندیشه برخورد تمدن‌ها، از اصل گفت و گو میان مذاهب، فرهنگ‌ها و ملت‌ها هواداری می‌کند. او به وابستگی متقابل جوامع، فرهنگ‌ها و اقتصاد‌ها باور دارد و هوادار نوعی سیاست خارجی خلاق و استوار است. به باور وی، این سیاست خارجی باید با پرهیز از خشونت و برقراری مناسبات دوستانه با همه کشورهای مادام که آن‌ها هم استقلال ایران را به رسمیت بشناسند و هم در برابر آن پیگیر سیاستی تجاوزکارانه نباشد پایه گیرد (رمضانی، ۱۳۸۴ : ۱۱۶). بنابر این گفت و گوی تمدن‌ها، دیدگاهی واقع‌گرا و ارزشی است. واقع‌گرا از آن جهت که واقعیت‌ها سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جهان کنونی را در نظر می‌گیرد و ارزش‌گرا به جهت تأکید آن بر همکاری، همیاری، مدارا و وفای به عهد و ارزش‌های انسانی می‌باشد. البته باید توجه داشت که نقش‌ها و جهت‌گیری‌های ایران، همچون تنش‌زدایی و گفت و گوی تمدن‌ها همگی تدافعی بوده‌اند (ستوده، ۱۳۸۱ : ۱۹).

- تأثیرات عملی «بازتعریف منافع ملی» در دوران خاتمی

اصولاً گفت و گوی تمدن‌ها حرکتی بود در جهت مفهوم‌سازی در سیاست خارجی که این سیاست و تنش‌زدایی در ایجاد نوعی هماهنگی بسیار مؤثر بوده‌اند. انتخاب این سیاست توانست ایران را از لحاظ انزوای سیاسی که گرفتار شده بود نجات دهد و از جو مصنوعی تنش و مقابله بین ایران و کشورهای جهان و منطقه بکاهد و فضای گفت و گو را جایگزین آن نماید. ((تکیه بر مفاهیم تنش‌زدایی و گفت و گوی تمدن‌ها و مفاهیم دیگری که به نحوی در ارتباط به این دو مفهوم قرار می‌گیرند نظیر اعتمادسازی، مشارکت و تفاهم مورد استقبال عمومی دولت ملت‌ها قرار گرفت. تجلی این مقبولیت را می‌توان در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۸ مبنی بر اعلام سال ۲۰۰۱ به‌عنوان سال بین‌المللی گفت و گوی تمدن‌ها نظاره‌گر بود. مقبولیت بین‌المللی این مفاهیم به گونه‌ای ساختاری پایه‌های سیاست مقابله و مهار ایران را در هم ریخت)) (سجادپور، ۱۳۸۱ : ۱۵۲).

پیام‌های انتخاباتی آقای خاتمی برای جامعه بین‌المللی به ویژه همسایگان ایران بسیار جالب توجه بود. این پیام‌ها نخستین نشانه‌های اصلی تلاش آشتی‌جویانه ایران به شمار می‌رفت. طرح ایده گفت و گوی تمدن‌ها و در پیش گرفتن سیاست تنش‌زدایی در سیاست خارجی نیز نشان آن بود که جمهوری اسلامی ایران خواهد کوشید تا روابط خود را با کشورهای جهان به ویژه کشورهای منطقه و عرب خلیج فارس بهبود بخشد و در صدد ایجاد اعتماد در آن‌ها برای همکاری با جمهوری اسلامی برای حل‌وفصل مسائل منطقه‌ای گردد. برگزاری اجلاس سران کنفرانس اسلامی این فرصت مناسب را به ایران داد تا به بیان مواضع خود بپردازد و با به وجود آوردن فضای گفت و شنود بین کشورهای اسلامی آن‌ها را به سمت همگرایی با جمهوری اسلامی سوق دهد.

- بهره‌های امنیتی سیاست خارجی دولت آقای خاتمی

با عنایت به آنچه در قسمت پیشین آمد، حال می‌توان به بررسی سطوح مذکور در سیاست خارجی دولت آقای خاتمی از آن حیث که توانسته‌اند در سازمان دهی به امنیت ملی کشور ایفای نقش نمایند، پرداخت. بر این اساس می‌توان سه رکن اصلی را مورد شناسایی قرار داد:

رکن اول. جامعه مدنی به مثابه کانون تولید کننده قدرت نرم

در حالی که بسیاری از کشورهای جهان سومی مطابق تحلیل ((دونالد اسنو)) درگیر نظام‌های سیاسی استبدادی و یا توتالیتر هستند که به طور طبیعی رابطه فعال و پویای بین شهروندان و سازمان قدرت را مخدوش می‌سازند و در نتیجه قدرت‌های پدید آمده از ملت‌ها را به کنار می‌گذارند؛ انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) توانست از این دور بسته جهان سومی خارج شده و با طرح الگوی ((جمهوری اسلامی)) در واقع به ترکیب مناسبی از اصول دینی و مقتضیات زمانی در عرصه سیاست و حکومت دست یابد. همین ظرفیت است که امکان آن را به دولت آقای خاتمی می‌دهد تا به طرح ایده تقویت ((جامعه مدنی)) در کشور همت گمارد. در این تلقی ((جامعه مدنی)) مجموعه‌ای از اصول حاکم بر روابط سالم اجتماعی (اعم از حاکمان با مردم، گروه‌ها و طبقات اجتماعی) را شامل می‌شود که در نهایت بر استقرار نظم پویا مبتنی بر عدالت منتهی می‌شود.

با این تعریف کار ویژه مهم جامعه مدنی با رویکرد امنیتی، در سطح تحلیل سیاست خارجی متوجه تولید قدرت نرم می‌باشد. بدین معنا که تقویت حوزه مدنی دارای چند پیامد اصلی است که در مجموع به توان ملی منجر شده و از این طریق معادلات امنیتی در سطح منطقه و بین‌الملل را متاثر می‌سازد. پیامدهای مد نظر آقای خاتمی از این ناحیه عبارتند از:

رکن دوم، تنش زدایی؛ به مثابه سیاست کاهش دهنده میزان و سطح منازعات منطقه‌ای

((من سیاست خارجی را تنش زدایی انتخاب کردم؛ قبل از انتخابات همین را اعلام کردم و بعد از آن نیز دوباره بر آن تأکید کردم. تنش زدایی به هیچ وجه به معنای عدول از اصول نیست؛ می‌شود از اصول دفاع کرد اما زمینه سوء استفاده دیگران را از بین برد.))

تصریح آقای خاتمی دلالت بر آن دارد که بسیاری از فرصت‌های کشور به دلیل تولید تعارض‌های غیر موجه از سوی دیگر کشورها، از دست رفته‌اند و در نتیجه کشور در پاره‌ای از مواقع حساس از پرداختن به مسائل استراتژیک بازمانده است. بر این اساس تلاش برای کاهش میزان و سطح این منازعات به یک هدف استراتژیک تبدیل می‌شود که به تعبیر ((آدم تاروک)) از دهه هفتاد (۱۳۷۰) و توسط حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی دنبال می‌شود.

البته آنچه دولت آقای خاتمی را از موارد قبلی متمایز می‌سازد، تأکید است که بر ((کشورهای جنوبی)) ایران می‌شود. به عبارت دیگر چنین به نظر می‌رسد که آقای خاتمی سیاست تنش زدایی را بیشتر با نگاهی امنیتی تا اقتصادی صرف دنبال می‌نماید.

رکن سوم، گفت و گوی تمدن‌ها به مثابه استراتژی ایجاد نظم در گستره جهانی

جمهوری اسلامی ایران با طرح نظریه گفت و گوی تمدن ها برای نخستین بار به ایفای نقش در سطح نظریه پردازی در گستره ی بین المللی اهتمام می ورزد. معنای این سخن آن است که در فضای ابهام آلود پس از جنگ سرد، این نظریه می تواند حداقل در سطح سیاست اعلامی اجماع جهانی را کسب نماید و بدین وسیله سطح بازیگری کشور ما را از حد ((پیرو)) به ((پیشگام)) ارتقاء بخشد. از این منظر ((گفت و گوی تمدن ها)) از آن حیث که به مدیریت ((منازعات تمدنی)) تولید شده از سوی اندیشه گران غربی کمک می نماید، فرصتی امنیتی برای کشور های اسلامی و از آن جمله جمهوری اسلامی ایران به شمار می آید.

-اعتمادسازی در سیاست خارجی تنش زدا

اعتمادسازی را می توان ادامه ی سیاست تنش زدایی دانست. به عبارت دیگر در شرایط جدید زمینه برای طرح قالب های گفتمانی نوین فراهم شد. الگوی آرمانی جدید در جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. در فضای جدید نشانه هایی از گفتمان دموکراتیک اسلامی ظهور می یابد. اگرچه تغییراتی در سیاست خارجی ایران ایجاد شده، اما می توان آن را ادامه ی گفتمان های قبلی دانست.

((پس از انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶ و طرح برنامه های رئیس جمهور جدید، گسترش روابط خارجی و رسیدگی به مسائل و امور خارجی در چارچوب رهیافت واقع گرایی نسبی باید ادامه می یافت. با این تفاوت که نحوه بیان و شیوه های رفتار و برخورد با دیگران تغییر یافت و سیاست تعدیل اقتصادی و قابل شد به توسعه صنعتی دولتی جای خود را به توسعه سیاسی داد و در روابط خارجی، پذیرش پلورالیسم (کثرت گرایی) جهانی به معنی نفی نظام تک قطبی و پذیرش تساوی فرهنگها، به محور اصلی سیاست خارجی تبدیل شد)) (ازغندی، ۱۳۷۸ : ۱۰۴۴).

پس از خرداد ۷۶ با تحولی در گفتمان سیاسی مواجه هستیم. به این ترتیب که مشروعیت اثباتی، جایگزین مشروعیت سلبی یعنی دوری گزیدن از دشمن تراشی و طرح شعارهای پرخاش گرانه و تحریک کننده گردید.

به طور کلی اعتماد سازی در سیاست خارجی تنش زدا دارای سه عنصر کلیدی عزت، حکمت و مصلحت بوده است. تنش زدایی در چارچوب عزت، حکمت و مصلحت به این معنی است که سیاست خارجی در صدد رفع سوء تفاهم های انباشته شده از گذشته و در تلاش جهت پایان دادن به هر نوع تنازع و کشمکش بین المللی است. و برای تأمین امنیت خود به واقعیت های موجود بین المللی توجه دارد، یعنی به هنگام بودن سیاست خارجی، برخورد برنامه ریزی شده و به روز با نظام بین الملل و بازیگران آن را اقتضاء می کند.

هریک از مؤلفه های یاد شده بخشی از سیاست خارجی تنش زدا در ایران را شامل می شد. این امر در نهایت زمینه های عبور از اعتمادسازی را به وجود آورد. کشورهای غربی، اعتماد سازی مورد نظر ایران را به عنوان فریب سیاست خارجی ایران تلقی نمودند. به همین دلیل بود که آمریکا تئوری گذرا از خاتمی را در سیاست خارجی خود به کار گرفت.

۲- تنش زدایی و منافع ملی در سیاست خارجی روحانی

از همان زمان که مردم ایران در انتخابات ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ رویکرد اعتدال و تدبیر را انتخاب کردند یکی از مهمترین عرصه‌هایی که انتظار می‌رفت دولت توجه ویژه‌ی بی‌به آن بکند، سیاست خارجی بود؛ عرصه‌ی بی‌که در آن ایران به دلیل مواضع و عملکردهای غیرکارشناسی دولتمردان در سال‌های پیش از این دولت، دچار تنزل جایگاه شده بود و مشکلاتی همچون انزوای منطقه‌ی بی‌و جهانی و گسترش فشارها و تحریم‌ها گریبانگیر کشورمان شده بود.

حسن روحانی در رقابت‌های انتخاباتی نشان داد که به دنبال آن است تا طرحی نو دراندازد و شیوه‌ی اداره‌ی سیاست خارجی را با توجه به شرایط و مقتضیات بین‌المللی به روز و مؤثر و از همه‌ی ابزارهای در دسترس استفاده کند. دیدگاه روحانی در دوره‌ی رقابت‌های انتخاباتی گرچه تا حدودی مشخص شد اما نگاه وی به جهان و جایگاه ایران در عرصه‌ی بین‌المللی در اولین نشست خبری که چند روز بعد از انتخابات برگزار شد، نشان داده شد. به نوشته‌ی وبسایت وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، رییس‌جمهوری منتخب در زمینه‌ی سیاست خارجی و دیپلماسی با صراحت اعلام کرد که به دنبال رابطه و تعامل با کشورهای دنیا بر اساس احترام متقابل است و این اقدام نه تنها به نفع ایران بلکه به نفع همه‌ی جهان است. (www.entekhab.ir).

روحانی در آن نشست، اولویت سیاست خارجی را روابط دوستانه و نزدیک با همه‌ی همسایگان عنوان کرد. وی همچنین تحریم‌ها را ناکارآمد و بدون مبنای درست دانست که حتی به غرب نیز ضرر می‌رساند. شاید بتوان اصول بنیادین سیاست خارجی روحانی را از سخنرانی وی در مراسم تحلیف در مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۹۲ استنباط کرد که گفت: «در عرصه‌ی سیاست خارجی، با قاطعیت تمام و به‌عنوان منتخب مردم شریف ایران، اعلام می‌دارم که جمهوری اسلامی ایران در پی صلح و ثبات منطقه است. ایران لنگرگاه ثبات در این منطقه‌ی پرآشوب است. ما در پی تغییر مرزها و دولت‌ها نیستیم. نظام سیاسی هر کشور به خواست و اراده‌ی عمومی مردم آن کشور بستگی دارد. ما با هرگونه دگرگونی در نظام‌های سیاسی از طریق مداخلات خارجی مخالفیم و به کارگیری زور را نقطه‌ی مقابل مردم سالاری و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها می‌دانیم. مخالفت و ستیز با هرگونه زورگویی، سلطه و تجاوز مخصوصاً تعرض نظامی، جزئی از فرهنگ اسلامی، انقلابی و ایرانی ماست. آرامش و ثبات در همه‌ی مناطق پیرامونی ما نه فقط یک آرزو و خواست، بلکه نیاز و ضرورتی همه‌جانبه برای جمهوری اسلامی ایران است. (www.entekhab.ir)»

تعامل سازنده براساس احترام متقابل و منافع مشترک و از موضع برابر، مبنای روابط ما با سایر کشورها را تشکیل خواهد داد و بر این اساس، متناسب با رفتار و برخورد طرف‌های مقابل در جهت بهبود و ارتقای روابط حرکت خواهیم کرد. به صراحت می‌گوییم اگر پاسخ مناسب می‌خواهید، نه با زبان تحریم، که با زبان تکریم با ایران سخن بگویید. (www.ettehadkhabar.ir).

در این چارچوب و با توجه به سخنان و پیام‌های رییس‌جمهوری درموقعیت‌های مختلف می‌توان شاخص‌های سیاست خارجی حسن روحانی در یک سال گذشته را در چند محور اصلی دسته‌بندی کرد.

- تدبیر و اعتدال در سیاست خارجی

یکی از موضوعات مهم در بحث سیاست خارجی استفاده از همه ی ابزارها در کنار اتخاذ روش هوشمندانه و منطقی و دوری از تندروری در سیاست خارجی است. از آنجا که شعار دولت یازدهم اعتدال بوده است، این رویه در جای جای سخنان رییس دولت دیده می شود. حسن روحانی ۲۶ مرداد پارسال در جلسه ی تودیع «علی اکبر صالحی» وزیر پیشین امور خارجه و «محمد جواد ظریف» در سخنانی در زمینه ی ماهیت کلی سیاست خارجی دوره ی جدید گفت: مردم یک برداشتی از سیاست خارجی سال های گذشته دارند. معنای این حرف این نیست که کارشناسان وزارت خارجه کم کاری کرده اند، نه. یا معنایش این نیست که وزارت خارجه از کارشناسان زبده تهی شده بود. به این معنا بوده است که صدای کارشناسان وزارت خارجه هم در درون ساختمان وزارت خارجه محبوس بود. این صدا به دلایلی به گوش آنهایی که بایستی برسد، نمی رسد و اگر می رسید، برخی به خوبی عمل نمی کردند. سیاست خارجی جایی نیست که کسی بدون دقت بتواند سخن بگوید و موضع بگیرد یا در مذاکرات در برابر طرف خارجی مطالبی را مطرح کند. (iran-newspaper.com).

روحانی در این مراسم به صراحت اعلام کرد: سیاست خارجه جای شعار نیست. ... حق نداریم سیاست خارجی را برای تکبیر و کف صرف کنیم. سیاست خارجی بسیار حساس است و اگر من تعبیر کنم کلید حل مشکلات ما در این مقطع در دست سیاست خارجی و آنهایی است که باید بار امانت سیاست خارجی را بر دوش بکشند، سخنی به گزاف نگفته ام. باید افرادی حرفه ای با کار دقیق کارشناسی و ایثار و فداکاری و رویی گشاده و شهامت در این عرصه حضور داشته باشند. ... سخن ما باید عاقلانه، دقیق و منطقی باشد. سیاست خارجی جای شعر و شعار نیست. جای فهم درست وقایع جهانی است. ما اگر نتوانیم وقایع جهانی را درست لمس و درک کنیم و سپس نتوانیم درست تحلیل کنیم و پس از آن نتوانیم در تصمیم سازی و تصمیم گیری و سپس در اجرا موفق باشیم، قطعاً ناموفق خواهیم بود. (iran-newspaper.com).

- تعامل با جهان

یکی از مهم ترین مباحثی که روحانی در یک سال اخیر به دنبال آن بوده و به همین دلیل وزارت امور خارجه را به یکی از فعال ترین نهادهای نظام تبدیل کرده است، پیگیری سیاست تعامل گرایی با جهان بوده است. در این چارچوب ایران با ارایه ی چهره یی مثبت برای حل مسایل مختلف بین المللی علاقه مندی خود را به تعامل با همه ی کشورهای جهان برای حل موضوع های مختلف نشان داده است. نمونه ی این رویکرد را هنگامی شاهد بودیم که بسیاری از کارشناسان داخلی و خارجی، گفت وگوهای هسته یی را بی ثمر می دانستند اما تاکید بر ادامه ی رایزنی ها و تعامل نشان داد که برای ایران، دوری از انزوا و تلاش برای ورود در عرصه های جهانی موفقیت آمیز خواهد بود و نه تنها امری شدنی بلکه ضروری است.

- رعایت احترام متقابل

قدرت های جهانی سعی دارند در مناسبات بین المللی با نگاه از بالا به پایین، خواسته های خود را در تعاملات بین المللی بر کشورهای ضعیف تحمیل کنند اما روحانی از همان ابتدای دوران ریاست جمهوری بر لزوم رعایت حقوق و احترام مردم ایران برای

رسیدن به صلح و حل مشکلات تاکید کرد. رییس دولت تدبیر و امید در یکی از نخستین سفرهای خارجی خود در شهریور سال گذشته به نشست سران سازمان همکاری شانگهای به بیشکک قرقیزستان رفت و تاکید داشت: زبان جامعه ی بشری امروز، باید زبان تفاهم و تکریم باشد. متأسفانه برخی قدرت ها هنوز نتوانسته اند خود را از دایره ی مناسبات استعماری کهن بیرون کنند و همچنان طبق عادت دیرینه، با دیگر ملت ها فقط با زبان زور سخن می گویند (www.entekhab.ir).

وی گفت: من اعلام می کنم که با عزم سیاسی، احترام متقابل و تامین منافع مشترک و تنها از طریق تحقق عینی حقوق مردم ایران می توان صلح آمیز بودن برنامه ی هسته یی ایران را تضمین کرد. با اعتمادسازی متقابل می توان در یک دوره ی زمانی کوتاه به این تضمین متقابل دست یافت. رییس جمهوری در سخنرانی پارسال خود در مجمع عمومی سازمان ملل نیز به صراحت اعلام کرد: ایران به دنبال تعامل سازنده بر اساس احترام متقابل و منافع مشترک با دیگر کشورهاست و در این چارچوب در پی افزایش تنش با ایالات متحده ی آمریکا نیز نیست... در این چارچوب موضع برابر، احترام متقابل و اصول مسلم شناخته شده ی بین المللی باید مینا باشد؛ البته در این زمینه انتظار ما از واشنگتن شنیدن صدای واحد است. (www.entekhab.ir).

- دیپلماسی برد - برد

این از اصول دیپلماسی در روابط بین الملل است که در مذاکرات، همه ی طرف ها با چانه زنی برخی امتیازات را می دهند تا برخی منافع را تصاحب کنند. اکنون دوران بازی با حاصل جمع صفر در روابط میان کشورها که برد یک طرف متضمن باخت طرف دیگری باشد به سر آمده است و تعاملات با رویکرد حاصل جمع مثبت دنبال می شود که در آن هر دو طرف با رضایت و نه از روی اکراه توافقی را می پذیرند و در عین اینکه امتیازاتی را کسب می کنند امتیازاتی را به رقیب خود می دهند روحانی نیز از همان روزهای نخست بر این رویکرد در تعامل با قدرت ها تاکید داشت و در گفت و گوی تلویزیونی خود در ۱۹ شهریور سال گذشته گفت: وقتی کسی بازنده است، تحمل نخواهد کرد و ادامه نخواهد داد. برای ادامه ی کار می توانیم بازی برد - برد داشته باشیم و ما برای بازی برد - برد آماده هستیم. (ضیایی ۱۳۹۳، ۸).

- نفی خشونت و افراط گرایی

یکی از محورهای اصلی و بین المللی در سیاست خارجی روحانی نفی هرگونه خشونت در جهان بوده است. وی با این ذهنیت حتی توانست در اولین حضورش تاثیر شگرفی در نشست مجمع عمومی سازمان ملل ایجاد کند؛ به گونه یی که با رایبه ی پیشنهاد جهان عاری از خشونت و افراطی گری، نظرها را به خود جلب کرد و توانست تاثیر بسیار زیادی بر افکار عمومی مردم جهان داشته باشد. روحانی در اجلاس سازمان همکاری های شانگهای در شهریور ۱۳۹۲ نیز مسلح کردن گروه های افراطی و تکفیری و به ویژه دستیابی این گروه ها به سلاح های شیمیایی را بزرگترین خطر برای صلح و امنیت منطقه دانست و تاکید کرد: دنیا نیازمند نفی خشونت و افراطی گری است. سازمان ما می تواند پرچمدار چنین حرکتی باشد. وی سپس کمتر از یک ماه بعد در سازمان ملل اینگونه گفت: در چنین فضایی، خشونت های دولتی و غیردولتی، مذهبی و فرقه یی و حتی نژادی افزایش یافته و هیچ تضمینی

وجود ندارد که دوران آرامش بین قدرت های بزرگ نیز در دام گفتمان‌ها، رفتارها و کردارهای خشن گرفتار نیاید. تاثیر فاجعه بار روایت های افراطی و خشن را نباید دست کم گرفت. (boustan.blogfa.com).

وی در مجمع عمومی تلاش برای حذف بازیگران منطقه یی و سیاست مهار را خطرناک و خشونت زا دانست و گفت: ... امروز جمهوری اسلامی ایران شما و همه ی جامعه ی جهانی را به برداشتن گامی فراپیش می خواند؛ دعوت «جهان علیه خشونت و افراطی گری». ما باید بپذیریم و بتوانیم در اینجا افقی را بکشاییم که در آن به جای جنگ، صلح، به جای خشونت، مدارا، به جای خونریزی، پیشرفت، به جای تبعیض، عدالت، به جای فقر، برخورداری و به جای استبداد، آزادی در سراسر جهان به‌تر دیده شود (boustan.blogfa.com).

- تنش‌زدایی، ترویج صلح و مخالفت با جنگ

یکی از محورهای عمده در سیاست خارجی روحانی دوری از تنش های منطقه یی و بین المللی و لزوم برقراری صلح است؛ زیرا تنها در شرایط آرامش است که می‌توان برنامه های داخلی و بین المللی را به ثمر رساند؛ به ویژه اینکه مباحث اقتصادی و رشد و پیشرفت کشورها در شرایط جنگی و تنش باهمسایگان و جامعه ی بین المللی دست یافتنی نیست. روحانی در یکی از مهمترین توصیه های خود به جامعه ی جهانی در مجمع عمومی سازمان ملل گفت: باید به جای گزینه ی ناکارآمد «اتلاف برای جنگ» در مناطق مختلف جهان به «اتلاف برای صلح پایدار» در سراسر جهان اندیشید. وی در گفت وگو با «ولادیمیر پوتین» همتای روسی اش در شهر پور پارسال با بیان اینکه اقدام نظامی هزینه های بسیاری برای منطقه خواهد داشت، اعلام کرد: باید همه ی تلاش ها برای ممانعت از وقوع آن انجام شود و جمهوری اسلامی ایران در این راستا آمادگی همکاری گسترده با دولت روسیه را دارد. (روزنامه شرق ۱۳۹۳/۱۱/۲۴).

ب) جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران خاتمی و روحانی

۱- جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران خاتمی

یکی از ارکان موفقیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران خاتمی استفاده از دیپلماسی عمومی در سازمان‌های بین المللی است. در این بین، خاتمی در طول دوران ریاست جمهوری خود سعی داشته است تا با استفاده از این مساله، جایگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را توسعه دهد. وی در طول دوران ریاست جمهوری خود، در ۵۵ نشست سازمان‌های بین المللی حضور داشته است. با این حال، سازمان ملل متحد، مهم ترین عرصه دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران وی است. راهبردهای دیپلماسی عمومی خاتمی در سازمان‌های بین المللی و به خصوص سازمان ملل متحد را در جهت تقویت جایگاه بین المللی جمهور یاسلامی ایران می‌توان در موارد زیر بیان کرد:

- نگاه امیدوارانه به آینده

خاتمی در طول اجلاس های سازمان های بین المللی به این نکته اشاره کرده است که آینده بشریت روشن است. خاتمی سیر تاریخ را به سوی آزادی دانست و اعلام کرد تاریخ شاهد شکوهمندی حق و فعلیت یافتن عدالت خواهد بود و این سخن را می توان بیان دیگری از نظریه دینی معروف مهدویت دانست. (سایت حوزه ۱۳۹۳/۲/۲۷).

- ضرورت حاکم شدن رابطه احترام آمیز در مناسبات بین المللی

خاتمی بر ضرورت حاکم شدن روابط احترام آمیز در مناسبات بین المللی تاکید کرده است. وی عنوان می کند رشد افکار عمومی غرب در جهت پذیرش رابطه صالح آمیز بر پایه احترام متقابل است. وی همچنین یکی از اصول انقلاب اسلامی را گسترش روابط با دیگر کشورها بر پایه احترام تحلیل می کند. (سایت حوزه ۱۳۹۳/۲/۲۷).

- صلح

صلح از اصلی ترین کلید واژه های دیپلماسی عمومی ایران در دوران خاتمی بوده است. یکی از پیش فرضهای گفتمانی سید محمد خاتمی این بوده است که در دنیای کنونی از صلح واقعی مبتنی بر عدالت کمتر اثر وجود دارد. خاتمی در همین راستا تاکید می کند جمهوری اسلامی ایران به اقتضای مبانی اعتقادی و مایه های تمدن دیرپای خود، خواستار جهانی سرشار از صلح و آرامش است. (سایت حوزه ۱۳۹۳/۲/۲۷).

- اشاره به موقعیت استراتژیک ایران و تمجید از ایرانیان

خاتمی در سخنان خود در سازمان های بین المللی تلاش کرد تصویری مثبت از ایرانیان ارائه دهند و بر موقعیت استراتژیک ایران تاکید کنند. سید محمد خاتمی ایرانیان را ملتی بزرگ و پرآوازه که از دهها قرن پیش صاحب تمدن بوده و دارای غنای فرهنگی و انسانی می باشد تعریف می کند. وی تاکید می کند مردم ایران پیشتر تاسیس جامعه مدنی و نظام مشروطیت در شرق جهان بوده و از طلایه داران مبارزه با استعمار و منادی استقلال بوده اند. (سایت اندیشه ۱۳۸۵/۶/۱۰).

- اشاره به گفته های رهبر انقلاب

خاتمی به دیدگاه رهبری مبنی بر اینکه کشورهای اسلامی به نمایندگی از یک میلیارد و چند صد میلیون نفوس باید دارای یک کرسی دایم در شورای امنیت سازمان ملل متحد شوند اشاره می کند. (سایت اندیشه ۱۳۸۵/۶/۱۰).

- نفی خشونت، زور و نظامی گری

نقد خشونت و نظامی گری هم یکی دیگر از پیش فرضهای گفتمانی خاتمی در اولین سخنان خود در سازمان ملل است. سید محمد خاتمی بیان می کند که حکومت های سرکوبگر فرهنگ خشونت را در جامعه حکم فرما کرده و مخالفان خود را به استفاده از

زور و خشونت تشویق می‌کنند. وی همچنین تاکید می‌کند قرن گذشته شاهد جلوه خشونت و انسان‌آزاری استعمار قدیم و بیداد بوده است (سایت اندیشه ۱۳۸۵/۶/۱۰).

- دیپلماسی رسانه ای

گزینش سید محمد خاتمی که در تبلیغات انتخابی خود همواره از جامعه‌ای پویا، رو به رشد و آزاد در چارچوب قانون اساسی سخن می‌گفت و وظیفه‌ی سنگین دولت را رفع موانع آزادی‌های مشروع جامعه می‌دانست، نشانه‌ای از نیاز و اعتقاد مردم به جامعه‌ی مدنی بود. جامعه‌ای که به علت پذیرش واقعیت تکرر و تنوع گروه‌ها و تشکله‌ها، نمی‌تواند تک‌صدایی باشد و در آن علاوه بر به رسمیت شناختن اختلافات و تفاوت، مردم نیز از حق متفاوت بودن، متفاوت شنیدن و متفاوت گفتن برخوردارند (طاهری نیا ۱۳۸۱، ۱۶).

خاتمی می‌دانست که چون محافظه‌کاران کنترل رادیو و تلویزیون ملی ایران به ریاست علی لاریجانی را در اختیار دارند خود وی به شدت به مطبوعات مستقلی نیاز دارد که از طریق آنها بتواند حمایت کافی برای سیاست‌های خویش را به دست آورد.

۲- جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران روحانی

با توجه به تبلیغات و پروپاگاندایی که علیه برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران در جریان است و نیز تلاش‌های سازمان یافته‌ای که لابی اسرائیل معروف به آپیک در کنگره و کاخ سفید و برخی کشورهای همسوس با غرب در خاورمیانه برای ممانعت از پیشرفت مذاکرات ایران و ۵+۱ انجام می‌دهند، بحث بکارگیری دیپلماسی عمومی برای ارایه دقیق منافع ملی و بیان دیدگاه‌های ایران در مورد مسایل بین‌المللی اهمیت دوچندانی می‌یابد. از دیگر سو، گشایش مذاکرات مجمع عمومی سازمان ملل متحد و حضور دوباره دکتر روحانی برای تبیین رویکرد ایران در مسایل جهانی و ارایه پیشنهادات جامع برای برقراری صلح و ثبات در منطقه و همچنین ایجاد جو اطمینان نسبت به رهبران دیگر کشورها نگاه بیشتر رسانه‌های جهانی به خود مبذول داشته است با توجه به تدلوم جو بدبینی میان تهران و واشنگتن به رغم برخی دیدارها مقامات دوکشور برای کاستن از تنشها و ایجاد فضای اطمینان بخش برای پیگیری مسیر مذاکرات پیچیده در حصول به توافق می‌توان گفت: ایده ارتباط با گروه‌های مختلف سیاسی مردم آمریکا از طریق گفتگوهای رسانه‌ای و حضور در مجامع دانشگاهی برای پاسخگویی به برخی شبهات در مورد سیاست خارجی ایران و ارایه واقعیت‌های ملموس داخلی، نباید از فرصت پیش آمده غفلت نمود. (www.khabaronline.ir).

نتیجه گیری

با روی کار آمدن دولت خاتمی، روند تنش‌زدایی در روند سیاست خارجی کشور که در دوران‌های هاشمی رفسنجانی آغاز شده بود، سرعت بیشتری گرفت. خاتمی در گفتمان خود با تکیه بر توسعه سیاسی در داخل و به کارگیری مفاهیمی چون تنش‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها در خارج، چهره سیاسی جدیدی از ایران را نزد افکار عمومی جهان ارائه کرد و تلاش نمود تا در این مسیر گام

بردارد. خاتمی اهداف اصلی دولت خود را موارد زیر ذکر کرد: تنش‌زدایی در عرصه روابط بین‌الملل بر اساس رعایت اصول حکمت، عزت و بازسازی روابط سیاسی دوجانبه با کشورها، افزایش حضور و تأثیر دولت در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی، ارتقاء منزلت فرهنگی جمهوری اسلامی و تغییر نگرش ایرانیان مقیم خارج از کشور. وی تلاش کرد تا در این ارتباط با به کارگیری لحن ملایم و سازگار با ادبیات بین‌المللی با مردم و نخبگان فکری و فرهنگی در جهان و مخصوصاً در کشورهای غربی و همچنین با سفرها و مذاکرات خود با مسئولان سیاسی کشور و به کارگیری گفت‌وگو همکاری و در عین نقادانه، زمینه تغییر نگاه به ایران را در عرصه بین‌المللی فراهم کند.

به طور خلاصه می‌توان گفت که پیگیری سیاست تنش‌زدایی از سوی خاتمی از یک طرف و تلاش برخی قدرتهای بزرگ برای وارد ایران به عرصه بین‌المللی و به خصوص از سوی کشورهای اروپایی از طرف دیگر، باعث تحرک سیاسی اقتصادی ایران در عرصه نظام بین‌المللی گردید. در این میان نمی‌توان از نقش عوامل داخلی غافل ماند. در واقع نکته قابل ذکر آن است که نقش پشتوانه مردمی خاتمی را نمی‌توان نادیده گرفت. در نهایت باید عنوان کرد که رأی بالای خاتمی در واقع به دولت وی کمک کرد تا بتواند به بخشی از وعده‌هایش که مهمترین آنها تنش‌زدایی و عادی سازی روابط با کشورهای دیگر در سطح نظام بین‌الملل می‌باشد عمل نماید.

از طرف دیگر روحانی نیز هم چون خاتمی در گفت‌وگو خود اهمیت زیادی برای تنش‌زدایی قائل بود. در این راستا، منابع و روش‌های به کارگیری تنش‌زدایی در دولت روحانی دارای اشتراکات زیادی با دولت خاتمی است. در ترسیم این کارنامه به طور خلاصه باید گفت سیاست خارجی کشور طی نزدیک به ۲ سال اخیر از وضعیتی بحرانی خارج شده و گام در مسیری با افق‌های روشن گذاشته است به طوری که در شرایط کنونی، جمهوری اسلامی ایران را می‌توان از مهمترین کانون‌های دیپلماسی و مقصد مورد نظر بسیاری از واحدهای نظام بین‌الملل برای گسترش روابط در زمینه‌های گوناگون دانست. در این پیوند، بیان چند نکته می‌تواند تصویری گویاتر از وضعیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی ۲ سال گذشته به دست دهد. حل‌وفصل اختلاف‌های هسته‌یی بین ایران و غرب مهمترین دست‌ورکار سیاست خارجی ایران در سال‌های اخیر بوده است؛ اختلافاتی که به مدت یک دهه روز به روز متراکم‌تر شد و به شکل کلافی سردرگم، روابط خارجی ایران را به فضایی مبهم و غیرعقلایی کشاند. پس از روی کار آمدن دولت یازدهم، شفاف‌سازی در مورد فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌یی جایگزین موضع‌گیری‌های حساسیت‌برانگیز شد و به همین شکل منطقی همه فهم و منطبق بر قواعد بین‌المللی جای ادبیات چالش‌پراکن قبلی را گرفت.

سیاست خارجی دولت یازدهم تحولی عمده در روابط ایران و غرب پدید آورد. یکی از مهمترین مولفه‌های این دگرگونی گشایش باب گفت‌وگو و مستقیم با مقام‌ها آمریکایی بر سر پرونده‌ی فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌یی بود. این تحول سبب شد پس از دهه‌ها، ۲ کشور بتوانند با عبور از انبوهی از اختلاف‌ها به نقطه‌ی مشترک و منافی همگون در مذاکرات هسته‌یی دست یابند و به عبارتی الگویی عقلانی در فرایند رقابت در عرصه‌های گوناگون ایجاد کنند.

منابع

- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۴)، سازو کارهای قدرت در جمهوری اسلامی ایران. ماهنامه گفتگو. شماره ۳۹.
- (۱۳۷۸). تنش زدایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه سیاست. شماره ۱۷.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۰). چالش های توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. ماهنامه ایران سیاسی. شماره ۲.
- خاتمی، سیدمحمد. (۱۳۸۴). تنش زدایی و تعامل سیاست خارجی ایران با جهان. ماهنامه یاران. شماره ۱۸.
- خرازی، کمال (۱۳۸۰). سیاست خارجی ما، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- دبیرزاده، شهریار. (۱۳۸۱). تاثیر تحولات جنگ سرد بر راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. ماهنامه دانشکده علوم انسانی دانشگاه اصفهان. شماره ۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۴). موانع ساختاری برتری منطقه ای جمهوری اسلامی ایران، دانشنامه حقوق و سیاست، سال اول، شماره ۲.
- رضانی، روح الله. (۱۳۸۱). سیاست خارجی و منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران، ترجمه آرمان جمالی، فصلنامه پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۹۸.
- ستوده آرانی، محمد. (۱۳۱۱). تحولات جدید عرصه دیپلماسی عمومی در نظام بین الملل. ماهنامه گفتگو. شماره ۱۲۶.
- سجادپور، محمدکاظم (۱۳۷۸). تنش زدایی و تعامل، بسترهایی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران . ماهنامه رضوان. پیش شماره ۲.
- ضیایی، غلامرضا (۱۳۹۳). سیاست خارجی دولت روحانی؛ مبانی و راهبردهای گفتمانی. ماهنامه یادگاران. شماره ۷.
- میرحیدر، زهره و مهناز رئوفی (۱۳۸۵). چارچوبی برای تحلیل و نقد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. ماهنامه راهبرد. شماره ۱۵.
- نوزانی، بهرام (۱۳۸۱). چارچوبی مطلوب برای سیاست های دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علوم سیاسی. شماره ۴.